

# «گوته» شاعر بزرگ آلمانی

## (GOETHE)

بقلم هوشیار شیرازی

تقدیم نویسنده زیر دست  
آقای سید محمد علی جمالزاده

(۳)

### ساده‌گی و پرمایگی شعر

دیری نگذشت که آشنائی با آثار بزرگان فکر و قلم آلمانی و انگلیسی، گوته، حاسر را تغیر داد. لنینک، پدیر شعر و شاعری در آلمان که آثارش کلید گنج زبان فصیح و شیرین آلمانی است و در سلامت و انسجام حکم سعدی را در زبان فارسی دارد و افسانه‌های اخلاقی او در اختصار و ایجاز بی رقیب است با همی بلند و فکری عالی که مخصوص نژاد آلمانی است می‌گویند: «ناهنه بنده قانون نیست و در بند محدود و تعینات دیگران نه! قانون او در وجود اوست و مانند آکوه آتش فشان که از درون خود می‌خروشد، کوهپاره‌های جلور ابر می‌اندازد دودها نه‌ای برای فوران و هیجان خود می‌سازد. طبع مرد بزرگ نیز بنا بر فطرت فعال خود بتناسب قوه و استعداد خویش قانون می‌گذارد و عملیات و آثار خود را بدان می‌سجد.»

روشن است که این نغمه‌ها و آوازه‌ها درست نقطه مقابل فکرها و بندهای نظم و تشریفاته‌ها در قرن هجدهم می‌باشد. از اواسط قرن هفدهم

و بواسطه همین آزادی طبع و برقص انداختن صدها جن و پری و ملائکه و بصحبت آوردن باد و آب و درختها و گلها و هزاران قدرت نمائی دیگر است که هنوز قسمت دویم درام و فاوست، رانستون در روی صحنه نمایشگاه آورد و باینکه با این درام و شاهکار پیری خود خط جلان بر روی نقیذات بیجا کشیده است باز بانمام این احوال در سنین جوانی یعنی تا بیست سالگی در نظم از دیگران مخصوصاً شعرای فرانسه اقتفا میکردند و ظرافت و نزاکت را در شعر دوست میداشته است. معلوم است که در مکاتیب خود که بدو ستایش نوشته اساس پرورش گوته، کلاسیک و آلمانی را میتوان دید و همان اشعار جوانی نیز که در وصف معشوقه و تشریح احساسات آن دلباخته سروده است خالی از لطافت و فصاحت نیست و عمق و صفوتی دارد و هیچ با منشآت استادان خوش آمدگویی و چاپلوسان لذت بخش (Maitre de plaisir) طرف نسبت نیست

تا اواخر قرن هجدهم فکر حکما کما کما دیرگاهی در رشته‌های ریاضی و فلسفی سایر بود نیز فضای پاک و آسمان کبود شعر و ادب را از ابرهای چون و چرا که گاهی در نور یکدیگر جمع شده و خورشید احساسات طبیعی و ساده را از نورفشانی منع میکرد و گاهی از همدیگر پراکنده میشدند پر کرده بود ولی چندی نگذشت که در فرانسه نیز شورش بزرگ کار سبک و سلاقی کهنه را (encienne regime) بساخت و بالتبع طرز انشاء و الملوب انشاء نیز تغییر کرد و آزاد شد.

اما در انگلستان مدتی بود که شعر مخصوص به سالون و باشرف نبود و اشخاصی مانند ادوارد - یانک (gouny) با تألیف خود موسوم به شعر و شاعری قدیم (On original compositions) و گشیش بزرگ - تامس - پرسی (Perery) با مجموعه‌ای از بقایای آثار ادبی قدیم انگلستان و از جمله بیشتره شک - فسن (Macpherson) با تالیفات و جمع آورده‌های خود که آثار اوسیان (Ossion) شاهراده و شاعر قدیم اسکاتلندی که در قرن سیم میلادی میزیسته نسبت میداد و باریک و بازی طبیعت و سادگی برگردانده و حتی تقلید و اقتضای از نظم قدما را غلط می‌شمردند و عقیده داشتند که هر قدر کمتر در شعر و شاعری از قدما تقلید بشود بیشتر طبیعت میتوان نزدیک شد و بیشتر میتوان لطف برد. و بخصوص بقصص تورا اهمیت میدادند و آنها را از آثار بزرگ ادبی بشر و عبارت

از حماسه‌های ملی قوم یهود می‌پنداشته که از قرنهای ماقبل تاریخ مفرام و بعدها بشکل کتاب مقدس بیرون آمده و عظمت و تأثیری که در این حماسه‌های ملی موجود است از این جهت است که ملت یهود بدون پیرایه و تصنع همان اوضاع دور خود را مجسم کرده و از شبان و چوپان و گوسفند و چایز و احساسات و فکرها می‌که با آنها مربوط است صحبت میدارد و با این حال تشبیهات و امثال آن پر از حقیقت و پند و موعظه و نصیحت میباشد. شاعر آلمانی هردر، عقیده داشت که شعر و شاعری ثمر تمدن نیست و از وقیکه انسانی و آدمی بوده طبع شاعری نیز بوده و میگوید: اولین نعره و آوازی که انسان در بیغوله‌ها و غارها و جنگلها داد از روی شوق و ذوق داد و آنچه را که ما در دوره تمدن هنوز میشنویم و شعر می‌نایم انعکاس همان آواز است. از این بعد آلمانها، هومر، را پیش کشیدند و دیدند که در آثارش از بحالی وزن صفتی و عشوه‌گری و ظرافت و نزاکت جزئی اثر هم نیست و فقط طبیعت را با همان عظمتی که دارد مجسم میکند و ذوق و شوق او با لبخند پر معنای ما و فرانسویها فرق کلی دارد. معلوم است که اگر یونانیها هم ازین لبخندا داشتند مانند ما بحال و بیخیال میشدند.

بعده و شکسیر، پرداختند و اهمیت دادند زیرا که اشعار او هم بی نهایت ساده و طبیعی و در عین حال پرمایه است و همان حرفها و مضامین



محبوب جوانان پرشور و شعرای پرهیجان آلمان واقع شده و همه وی را پیشرو طوفانیان، میخواندند و این جوانها که برخلاف قیدهای فرانسویها هیجان نموده و جسور و شاعر از لحاظ انشاء و خلقت جدید، که از صفات آنهاست نسبت خلاقیت میدادند و آنها را خدایان زمینی میخواندند در گوته، جوان بنظریمبر سلاست و روانی و قادر مطلق در سخندانی مینگریستند. علت این اشتها درامی بود که پس از مراجعت از «شتراسن بورگ»، بنام «گوتس» (goetz) در مدت کمی مانند وحی منزل از قلم وی جاری شد و جوانان آلمان در این درام، اوضاع ملوک الطوائفی آلمان که هنوز وجود داشت و ناامنی و راهزنی و نفوذ کثیثها و زهادریائی و حق کشی نسبت پهلوان داستان یعنی «گوتس» و پایداری و مقاومت او و بسیاری از مشکلات عصر خود را در پیش چشم مجسم میدیدند و از آن گذشته در این درام که شاهکار جوانی گوته است و پیش از «ورتر» نوشته شده برخلاف قوانین درام بزعم یونانیان و بزعم «بوالو» (boileau) فرانسوی که او را «پدر پارتاس» (۱) یا «ابوالعروض» میخواندند و امثال او وحدتهای نثه را ملحوظ نداشته و با این حال درامی ساخته که بس شیرین و هیجان آور است و برخلاف درامهای زبان فرانسه که تا آن وقت بیشتر اخلاق یک فرد و

(۱) «پارتاس» (Parnasse) کوهی است در یونان که بعقیده یونانیان قدیم ارباب انواع و خدایان شعر در آنجا جمع میشدند.

معمول روز با نفوذ و اثر شدیدتری که با سرمشق فوق الذکر «گوتدیاک» نمیتوان یادگرفت در آثار او جلوه میکند. عقیده شعرای انگلیس و آلمان این بود که شعر فقط مخصوص به «سالون» و ظرافت و نازکی چند «مادام» و هرزگی چند نفر «مسیو» و اشرافیون نیست و باید شعرطوری باشد که ملت نیز بتواند از آن استفاده کند. بلکه شعری که سرچشمه آن روح افراد قوم و ملت نیست آن شعر نیز شعرواقعی نیست.

تصور میکنم انگلیسها و آلمانها در نظریات خود با اشتباه نرفته باشند زیرا اگر بنحو مقایسه بنظم فردوسی نگاه کنیم می بینیم که هنروری شاعر و عظمت اشعار او در این است که طیبی است و مثل این است که با معمولترین و بهترین کلمات دارد با ماحرف میزند و زندگی ایرانی و ایده اله های ما را در پیش چشم ما مجسم میکند و از همین جهت است که در سفر و حضر در حمامها و قهوه خانها و بالاخره همه جا همه کس اشعار فردوسی را میخواند و از آن لذت میبرد.

**گوته، طوفانی گوته،** در آن اوقات (۱۷۷۱ - ۱۷۸۰) که هنوز از شورش فرانسه خبری نبود و هنوز نفس «مون تسکیو» و «روسو» نوده را بروح انقلاب زنده نکرده بود در میان شورش و انقلاب ادبی آلمان که به «طوفان و هیجان» معروف است و درام یکی از «طوفانیان» و ادبای جوان آلمان بنام «کلینگر» بعدها این اسم را باین دوره داد،

و هردو، و بهت جمعی دیگر از نویسندگان پیر آلمان که در شهر لپزیک، بزبان آلمانی و بتفکر آلمانی اهمیت میدادند اساس ادبیات آلمانی که بعدها «گوتته»، و «شیلر» آنرا بدرجه عالی «کلاسیک» رسانیدند گذاشتند.

مدت توقف «گوتته» در «شتراس بورگ» و آشنائی به هردو، و توجه بآثار «شکسپیر» و نزدیک آمدن بافکار مهیج «رسو» برای بروز فطریات گوتته اهمیت بزرگ داشت و این سه عامل چون سه تخم مختلف در ارض قابلیت «گوتته» افشاندند و در سالهای بعد خورده خورده این تخمها بنای روئیدن را گذاشته و میوه آنها «ورتر» و اشعار و نظم های بسیاری بود که بسیار ساده و روان و فصیح سروده شده و بعدها در افواه خواص و عوام افتاده و حتی بعضی از آنها را بنغمه و آواز در آورده اند و علاوه براین، «دایره ینش» «گوتته» وسیعتر شد و با اشارات «هردر» از برای صنایع مستظرفه و طرز معماری آلمانیهای قدیم و «گوتتهها» میل مفرطی در او ظهور آمد و آوازه «گوتته» در میان جوانان زیاد شد و حتی توجه امرای زمان را بخود جلب و در آن وقت «دوشس» ایالت «ساکسن» و ایماره موسوم به «انا - امالیا» بفرانکفورت بدیدن «گوتته» جوان ما که هنوز بیست و شش سال تمام نداشت آمده و او را بقلمرو خود «وایماره» دعوت کرد تا آنکه «دوک» جوان را تربیت کند.

زندگانی چند نفر را در یک درام مجسم می کرد گوتته در این درام بنظریه «دیده روه» ( Diderot ) فرانسوی که بالنسبه بر نقای دیگرش دارای فکری روشن بود حقیقت بخشیده و همینطور که مقصود «دیده روه» در «درام» خود موسوم به «پدر خانواده» این است که وضع پدر را بطور مطلق مجسم نماید و در قید «پدر خانواده» معینی نیست و بیشتر میخواهد اوضاع اطراف این هیکل و این شخص را شرح بدهد و اخلاق و صفات او را مانند نمر و «یوه» اوضاع محیط جلوه بدهد همینطور «گوتته» نیز از طرفی اوضاع و حثت انگیز و از طرفی دیگر منظره های رقت آوری در پیش چشم انسان می آورد که کم کم از میان آنها اخلاق و صفات و رفتار «گوتس» تکوین و تولید میشود و اگر فرضاً پهلوان این داستان «گوتس» نمی بود و شخص خواننده سرجای او می ایستاد بنا بر این حوادث و اوضاع محیط خود او هم همان حال «گوتس» را پیدا می کرد و حتی دوست گوتته «هردر» که پس از «لینک» اول کسی بود که دارای قلمی توانا و به یثار کردن جوانان و بنوشتن آثار مهمی مانند «افکار» را راجع ب«فلسفه» تاریخ، پرداخته بود با همه انتقادی که در باب آن درام داشت وای باز درام گوتته را شیبه بآثار «شکسپیر» میخواند.

از این موقع جوانان سخنور آلمانی از تبعیت با سلوب نظم و نثر فرانسه دست کشیده و پراهنائی آثار «شکسپیر» و «لینک»